



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارایی

ستاد همکارى حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

اقتصاد سیاسى توزیع مواهّب و منابع طبیعی در ایران



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

این نوشتار برگرفته از ارائه سخنرانی دکتر محمد نعمتی

در اولین مدرسه تابستانه اقتصاد اسلامی می باشد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان: اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

سخنران: دکتر محمد نعمتی

ناظر علمی: دکتر حمیدرضا مقصودی، دکتر علی سعیدی، دکتر صادق سلمانی

گروه پژوهشی: ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی

ویراستار: اسد عدالت پرور

واژه‌های کلیدی: اقتصاد سیاسی، توزیع مواهب، منابع طبیعی، ایران، عدالت اجتماعی،

توسعه پایدار، حاکمیت قانون، فساد، پاسخگویی، محیط زیست

شناسه گزارش: ۴۰۳۰۲۱۸۱۹۵۲

تاریخ نشر: اردیبهشت ۱۴۰۳

حقوق معنوی این اثر متعلق به ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی است و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.

جهت دریافت گزارش‌های سیاستی به سایت www.sahwa.ir مراجعه کنید.

مطالب این نوشتار الزاما نظرات رسمی وزارت امور اقتصادی و دارایی و ستاد همکاری حوزه علمیه و وزارت امور اقتصادی و دارایی نمی‌باشد.



فهرست مطالب

۶	مقدمه
۶	اقتصاد اسلامی: از دیدگاه‌های مختلف تا تعریفی جامع
۷	علوم اجتماعی: تعریفی جامع و ورای عناوین
۷	جامعه چیست؟
۸	نیازهای مشترک در جامعه: فراتر از تقسیم کار
۹	علوم اجتماعی: در جستجوی جامعه‌ای متعادل
۱۰	بحران عدم تعادل: پیامد نارضایتی در جامعه
۱۰	طبقه‌بندی خیرها و مواهب: چارچوبی برای تحلیل جامعه
۱۲	علم اجتماعی: در جستجوی جامعه‌ای عادلانه و متعادل
۱۳	سعادت، سامان و التزام: مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی
۱۶	حکمرانی: حاکمیت قواعد خاص در عرصه‌های حیات اجتماعی
۱۸	تفاوت تمدن‌ها، جوامع و دولت‌ها: دستگاه فقه‌تبی و علوم اجتماعی
۲۰	مالکیت: نهاد عدالت، آزادی و امنیت
۲۱	آزادی: تفسیر با عدالت و قاعده‌مندی
۲۵	مبنای تعیین حقوق و حقایق در جامعه: ضرورت دستگاه تحلیلی
۲۶	بانک در نظام‌های پولی: تعاریف، مفروضات و پیش‌فرض‌ها
۲۷	فلسفه علوم اجتماعی و مبانی حقوقی: رابطه‌ای پویا
۲۸	نتیجه‌گیری



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

باسمه تعالی

مقدمه

با سلام و احترام خدمت حضار ارجمند، دوستان قدیمی و جدید. بسیار خرسندم که امروز در جمع شما حضور دارم و فرصتی دست داده تا در مورد یکی از ابعاد مهم اقتصاد سیاسی، یعنی انفال با شما به بحث و گفتگو بپردازم؛ با توجه به ترکیب مخاطبان حاضر در این نشست، که شامل دانشجویان و طلاب گرامی است، پیش از ورود به بحث اصلی، ضروری می‌دانم که دیدگاه خود را در خصوص اقتصاد اسلامی و علوم اجتماعی به اختصار شرح دهم. شاید این مقدمه اندکی طولانی به نظر برسد و فرصت کافی برای پرداختن به موضوع اصلی یعنی نفت باقی نماند. در این صورت، با کمال میل بحث را به فرصتی دیگر موکول می‌کنم و در این نشست به تشریح دیدگاهم در مورد اقتصاد اسلامی و علوم اجتماعی اکتفا خواهم کرد.

اقتصاد اسلامی: از دیدگاه‌های مختلف تا تعریفی جامع

اقتصاد اسلامی، همانند خود دانش اقتصاد، تعاریف و تفاسیر گوناگونی دارد. این تنوع دیدگاه‌ها، چه در سطح بین‌الملل و چه در داخل کشور، مشهود است. برای ورود به این بحث، ابتدا باید مفهوم جامعه را مورد بررسی قرار دهیم. به عقیده من، ترجمه اکونومی به اقتصاد در زبان فارسی، ترجمه دقیقی نیست. واژه **Political Economy** در زبان انگلیسی که به اقتصاد ترجمه شده است، در اصل به معنای تدبیر امور شهر یا همان تدبیر مُدُن در زبان فارسی است. امروزه، واژه اکونومی معانی مختلفی را به خود می‌گیرد. در دوران عثمانی، ترجمه عربی این واژه به معنای صرفه جویی تلقی می‌شد که ریشه در فعل قَصَد دارد. این ترجمه اشتباه، مفاهیم اقتصادی را به کل دگرگون کرد.

پیش از این، به علوم اجتماعی یا مطالعات اجتماعی در زبان انگلیسی، تدبیر منزل یا تدبیر مُدُن و یا سوشال استادی یا سوشال ساینس گفته می‌شد. در گذشته‌های دورتر، این علم با عنوان مُرال استادی شناخته می‌شد. مُرال به معنای علوم اخلاقی است. در فرهنگ انگلیسی، منظور از اخلاق و علوم اخلاقی صرفاً رابطه فرد با خود نیست، همانطور که در اخلاقیات فارسی شاهد آن هستیم. اخلاق در زبان انگلیسی، معادل علوم اجتماعی است، به این



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

معنا که کنش انسان در رابطه با خود و دیگران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

به عنوان مثال، زمانی که می‌گوییم فلان شخص فیلسوف اخلاق است، در زبان انگلیسی اینگونه برداشت می‌شود که اخلاقیات او شبیه به مرحوم آقای بهجت است. در حالی که در زبان انگلیسی، اخلاق همان علوم اجتماعی اعم از کنش انسان در رابطه با خود و دیگران است.

در گذشته، واژه جوریس بورودنس به دو صورت ترجمه می‌شد: فقه و حقوق. اما من ترجیح می‌دهم آن را فقه اجتماعی یا فقه تعاملات اجتماعی ترجمه کنم. فقه به عنوان یک دانش، به تعیین و تکلیف کنش انسان‌ها می‌پردازد. اما در فضای انگلیسی، زمانی که اسمیت و پیشینیان او از جوریس بورودنس صحبت می‌کنند، منظورشان تعیین و تکلیف روابط انسان‌ها با یکدیگر است، نه رابطه انسان با خدا، انسان با خود یا تکالیف فردی انسان.

علوم اجتماعی: تعریفی جامع و ورای عناوین

در حوزه علوم اجتماعی، شاهد تنوع عناوین و اصطلاحات مختلفی هستیم، از علوم اخلاقی و علوم حکمت عملی گرفته تا فقه اجتماعی و حتی اقتصاد (اکانامیکس).

آلفرد مارشال و ویلیام استنلی جونس، با هدف ترویج رویکردی پوزیتیویستی، اصطلاح **Political Economy Science** را به **Economics** (اقتصاد) تغییر دادند. در مقابل، برخی دیگر از اصطلاحاتی مانند چارچوب‌های تحلیلی-اجتماعی، سیستم‌های اجتماعی و مدل‌های اجتماعی برای این حوزه استفاده می‌کنند. با وجود این تنوع، تمامی این عناوین و اصطلاحات به طور کلی به یک مفهوم واحد اشاره دارند: جامعه.

جامعه چیست؟

برخلاف اقتصاد متعارف که نقطه آغازین خود را فردی منزوی در جزیره‌ای مانند رابینسون کروزوئه قرار می‌دهد، علوم اجتماعی بر تعاملات و روابط انسان‌ها تمرکز دارد. در واقع، علوم اجتماعی زمانی معنا پیدا می‌کند که انسان‌ها در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و برای رفع نیازهای خود ناگزیر به همکاری و تقسیم کار هستند. بنابراین، جامعه در علوم اجتماعی به گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که برای بقا و پیشرفت خود، چاره‌ای جز تعامل و همکاری با یکدیگر ندارند.



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

در هر جامعه، شاهد تنوع شغل‌ها و نقش‌های مختلف هستیم. کشاورزان، صنعتگران، معلمان، قضات، پاسداران و ... هر یک در چرخه زندگی انسان نقشی حیاتی ایفا می‌کنند. در میان هشتاد تا نود میلیون نفر جمعیت جامعه، هر فرد وظیفه‌ای خاص بر عهده دارد. بیست و چهار میلیون نفر از این جمعیت، نیروی کار فعال را تشکیل می‌دهند و هر کدام در طبقه اجتماعی خود، وظایف و تعهداتی را انجام می‌دهند. حاصل تلاش هر یک از این افراد، تولید کالا یا ارائه خدمات است. معلم خدمات آموزشی، پلیس خدمات امنیتی، کشاورز مواد غذایی و ... را به جامعه عرضه می‌کنند.

تاکید من در اینجا بر تقسیم کار اسمیتی به معنای رایج آن نیست، بلکه به مفهومی عمیق‌تر از تقسیم کار در جامعه اشاره دارم. در واقع، هر طبقه اجتماعی، بخشی از نیازهای اساسی انسان را برآورده می‌کند. انسان برای ادامه حیات، به غذا، سرپناه، حمل و نقل و ... نیاز دارد. این نیازها، فارغ از هرگونه بحث و جدلی، وجود دارند.

نیازهای مشترک در جامعه: فراتر از تقسیم کار

در هر جامعه، شاهد تنوع شغل‌ها و نقش‌های مختلف هستیم. صنعتگران، معدن‌کاران، کشاورزان، معلمان، قضات و ... هر یک وظیفه‌ای خاص در چرخه زندگی انسان ایفا می‌کنند. اما در کنار این تنوع، نیازهای مشترکی نیز وجود دارند که فارغ از طبقه اجتماعی، برای همه افراد یکسان هستند.

من به عنوان یک معلم، در ازای ارائه آموزش، نه تنها به خود آموزش نیاز دارم، بلکه به سرپناه، امنیت، سلامت و سایر نیازهای اساسی نیز احتیاج دارم. تقسیم کار در جامعه، امری ضروری برای بقا و پیشرفت انسان است. هر فرد در قبال انجام وظایف خود، انتظار دارد که نیازهایش برآورده شود؛ به عنوان مثال، یک پارکبان که هشت ساعت در روز به نظافت کوچه و خیابان می‌پردازد، در ازای این خدمت، انتظار دارد که تمام نیازهایش، از جمله مسکن، امنیت، آموزش، سلامت و ... تامین شود.

افراد را صرفاً به دلیل طبقه اجتماعی‌شان نمی‌توان از نیازهای اساسی محروم کرد. همانطور که یک معلم در ازای خدمات خود، صرفاً نباید به نان و ماست اکتفا کند، سایر افراد جامعه نیز فارغ از شغل و طبقه اجتماعی، حق برخورداری از تمام نیازهای خود را دارند.



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

در واقع، جامعه به مثابه یک کیک بزرگ است که باید توسط تمام اعضای آن، به طور عادلانه تقسیم و مصرف شود. هر طبقه اجتماعی با ارائه خدمت یا کالای خود به جامعه، سهمی در تولید این کیک دارد و در مقابل، انتظار دارد که از آن سهم خود را دریافت کند. بنابراین، در بحث جامعه، نه تنها با تقسیم کار، بلکه با تقسیم عادلانه ثمره این کار نیز روبرو هستیم.

علوم اجتماعی: در جستجوی جامعه‌ای متعادل

علوم اجتماعی به دنبال چه چیزی است؟ علوم اجتماعی به دنبال یافتن پاسخ به این پرسش بنیادی است: «چه کسی، چه چیزی و در کجا باید قرار بگیرد تا جامعه‌ای متعادل و مطلوب شکل گیرد؟» در واقع، علوم اجتماعی به دنبال سامان‌دهی جامعه از طریق توزیع عادلانه افراد، منابع و فرصت‌ها در جایگاه‌های مناسب است.

جامعه‌ای سامان‌یافته، جامعه‌ای است که در آن، افراد در جایگاه‌های متناسب با توانایی‌ها و مهارت‌های خود قرار می‌گیرند؛ هر فرد نقشی متناسب با نیازهای جامعه ایفا می‌کند؛ توزیع منابع و ثروت به طور عادلانه انجام می‌شود؛ همه افراد از امکانات رفاهی و آموزشی برابر برخوردار هستند؛ فقر و نابرابری به حداقل می‌رسد؛ تعاملات بین افراد بر پایه احترام و همبستگی بنا شده است.

علوم اجتماعی در جستجوی جامعه‌ای ایده‌آل به نام مدینه فاضله است. مدینه فاضله، جامعه‌ای است که در آن، فقر و نابرابری به طور کامل از بین رفته است؛ همه افراد از رفاه و سعادت برخوردار هستند؛ عدالت اجتماعی به طور کامل برقرار شده است؛ صلح و صفا در جامعه حاکم است؛ همه افراد در جهت پیشرفت و تعالی جامعه تلاش می‌کنند.

فقر چیست؟ در نظریه‌های غربی، فقر صرفاً به معنای عدم دسترسی به کالاهای ضروری برای بقا، مانند غذا و سرپناه، تعریف می‌شود. اما در واقع، فقر زمانی رخ می‌دهد که بخشی از نیازهای اساسی انسان، از جمله تعلیم و تربیت، مسکن، سلامت و ... برآورده نشود.

یکی از ابعاد مهم فقر، تبعیض در بهره‌مندی از منابع و فرصت‌ها در جامعه است. این تبعیض می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند آموزش، اشتغال، مسکن، خدمات درمانی و ... نمود پیدا کند. جامعه‌ای که به دنبال عدالت و رفاه برای همه اعضای خود است، باید بر پایه تقسیم کار عادلانه و رفع نیازهای اساسی همه افراد بنا شود.



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

زندگی انسان در جامعه، به طور ذاتی با وابستگی‌های متقابل گره خورده است. هر فرد در جامعه، نقشی خاص ایفا می‌کند و از خدمات و محصولات دیگران بهره‌مند می‌شود. رضایت افراد از نقش‌های خود در جامعه، از جمله عوامل کلیدی ثبات و توسعه پایدار است و عدم رضایت از نقش‌ها، می‌تواند منجر به بی‌ثباتی، اعتراضات و حتی جنگ‌ها شود.

بحران عدم تعادل: پیامد نارضایتی در جامعه

همانطور که پیش‌تر اشاره شد، جامعه فضایی است که در آن افراد با یکدیگر تعامل و تبادل دارند. این تعاملات، شامل تبادل کالاها، خدمات، ایده‌ها و ... می‌شود. بحران عدم تعادل چیست؟ اگر افراد از موقعیت خود در جامعه و از مبادلاتی که انجام می‌دهند راضی نباشند، بی‌ثباتی، چالش و بحران پدید می‌آید؛ در اینجاست که مفهوم ارزش کار انسان اهمیت پیدا می‌کند. ارزش کار انسان، به معنای ارزشی است که به ازای تلاش و خلاقیت او در جامعه به او تعلق می‌گیرد.

در جامعه‌ای که با بحران عدم تعادل روبرو است، نظریه قیمت، ارزش و مالکیت نیز دستخوش چالش می‌شود؛ چرا که در چنین جامعه‌ای، ارزش واقعی کار افراد به درستی درک و منعکس نمی‌شود. دعوا بر سر بحث مالکیت، ارتباط نزدیکی با ارزش کار انسان دارد. در واقع، مالکیت در جامعه، تا حدی به ارزش کار افراد و سهمی که از ثمره تلاش خود دریافت می‌کنند، برمی‌گردد.

زمانی که می‌گوییم دو ساعت کار یک فرد، با دو ساعت کار فرد دیگر قابل مبادله است، به این معنی است که ارزش کار هر دو فرد به طور مساوی تلقی می‌شود. این مبادله‌پذیری، معیاری برای سنجش ارزش کار افراد در جامعه به شمار می‌رود. بنابراین، بحران عدم تعادل و بی‌عدالتی در جامعه، زمانی رخ می‌دهد که افراد از نقش و سهمی که در جامعه دارند راضی نباشند. این نارضایتی، ریشه در عدم تعادل در ارزش‌گذاری کار افراد و توزیع ناعادلانه ثمره تلاش آنها دارد. در مقابل، جامعه‌ای سامان‌یافته، جامعه‌ای است که در آن افراد از موقعیت خود در جامعه و از مبادلاتی که انجام می‌دهند راضی باشند.

طبقه‌بندی خیرها و مواهب: چارچوبی برای تحلیل جامعه

در ادامه اشاره‌ای به موضوع مهم طبقه‌بندی خیرها و مواهب در جامعه می‌کنیم. این دسته‌بندی، ابزاری کارآمد



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

برای تحلیل ساختارها و فرایندهای اجتماعی به ما ارائه می‌دهد. جامعه، مجموعه‌ای پیچیده از نیازها، کالاها و خدمات است. سخن گفتن در مورد تک تک این موارد عملاً غیرممکن است. علوم اجتماعی، برای غلبه بر این چالش، از نظام‌های طبقه‌بندی استفاده می‌کند. این نظام‌ها، به ما کمک می‌کنند تا موضوعات را در دسته‌های مجزا و قابل تحلیل قرار دهیم.

در اینجا، طیف وسیعی از کالاها و خدمات را در دو دسته کلی خصوصی و عمومی طبقه‌بندی می‌کنیم: «کالاها و خدمات خصوصی مانند پوشاک، خوراک، مسکن، خدمات تفریحی و ...» و «کالاها و خدمات عمومی مانند امنیت، آموزش، سلامت، دفاع، غذا، بهداشت، منابع طبیعی (انفال) و ...». در کنار این دو دسته، دو عنصر کلیدی دیگر نیز در تحلیل جامعه نقش‌آفرین هستند: «پول و قدرت». این طبقه‌بندی، چارچوبی را برای تحلیل طیف گسترده‌ای از موضوعات در علوم اجتماعی به ما ارائه می‌دهد.

فقه اجتماعی، شاخه‌ای از علوم اجتماعی است که به بررسی نظام‌های حکمرانی از منظر دین و اخلاق می‌پردازد. در این سخنرانی، به مفهوم حکمرانی و نقش آن در جامعه خواهیم پرداخت.

در جوامع مختلف، تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات، توسط افراد و گروه‌های مختلف انجام می‌شود. هر قشر و گروهی، نقشی در رفع بخشی از نیازهای جامعه ایفا می‌کند. در علم اقتصاد، نظریه‌پردازان مختلف، دسته‌بندی‌های گوناگونی از این نیازها و مواهب ارائه داده‌اند. انسان‌ها به طور ذاتی به کالاها و خدمات نیاز دارند. منابع طبیعی مانند نفت، گاز، مراتع، دریا و ... که از کالاها متمایز هستند، در نگاه متعارف اقتصادی، نوعی کالا تلقی می‌شوند؛ اما در نگرش اسلامی، این منابع، هدایایی از جانب خداوند هستند که انسان نقشی در آفرینش آن‌ها نداشته و صرفاً می‌تواند آن‌ها را تصاحب و به نفع خود تغییر دهد.

پول نیز نوعی دسته‌بندی محسوب می‌شود، اما در این میان، پول را نمی‌توان به عنوان یک کالا در نظر گرفت. خدمات، به طور مستقیم به نیازها پاسخ می‌دهند، در حالی که از پول برای تولید کالا و خدمات استفاده می‌شود. هر یک از این چهار مقوله (کالاها و خدمات خصوصی، کالاها و خدمات عمومی، پول و قدرت)، ماهیت متفاوتی دارد و به همین دلیل، ساز و کارهای ساماندهی آن، تعیین و تکلیف افراد مرتبط با آن، سازوکارهای هماهنگی و بهره‌مندی از آن و همچنین فقه و مبانی نظریه‌پردازی در مورد آن نیز متفاوت خواهد بود.



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

در مقوله قدرت، انسان از کالا و خدمات، با کمک منابع طبیعی و پول، برای تولید و ایجاد تغییر استفاده می‌کند. انسان در این فرایند، نقشی فعال ایفا می‌کند و به عنوان عامل تولید شناخته می‌شود؛ برخلاف نگاه متعارف اقتصادی که انسان را به عنوان یک کالا در بازار می‌بیند، در اینجا انسان به عنوان بازار کار در نظر گرفته می‌شود. این تمایز ظریف، بر نقش خلاقانه و فعال انسان در فرایند تولید و قدرت تاکید دارد؛ در حالی که در اقتصاد متعارف، بازارهایی مانند بازار سیب‌زمینی و بازار پیاز وجود دارد، انسان را نمی‌توان در زمره یک کالای صرف در بازار قرار داد. نحوه و چگونگی تولید توسط انسان، تاثیر عمیقی بر سبک زندگی و استقلال او دارد. زندگی عشایری، نمونه‌ای از تناسب سبک زندگی با شیوه تولید است؛ به عنوان مثال اجداد ما در گذشته، با وجود نداشتن خانه و کاشانه به شکل امروزی، الزاماً دامدار محسوب نمی‌شدند؛ بلکه آن‌ها صاحب یک تمدن با سبک زندگی و استقلال خاص خود بودند. این استقلال، در نحوه زندگی، محل سکونت و ارتباط با طبیعت خود را نشان می‌داد.

علم اجتماعی: در جستجوی جامعه‌ای عادلانه و متعادل

هدف اصلی این علم، درک و تبیین چگونگی عملکرد جوامع و عوامل موثر بر آن‌هاست. یکی از وظایف کلیدی علم اجتماعی، تبیین و تشریح وضع بایسته، آن وضع طبیعی، وضع تعادلی و عادلانه در جوامع است. این علم به دنبال یافتن الگوها و ساختارهایی است که می‌توانند منجر به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و متعادل برای تمامی افراد شوند. در طول تاریخ، مفاهیم مرتبط با جامعه عادلانه و متعادل دستخوش تحولاتی شده‌اند. در دوران قدیم، از واژه عدالت برای توصیف چنین جامعه‌ای استفاده می‌شد. در دوران روشنگری، متفکرانی مانند آدام اسمیت، به جای استفاده از واژه خدا، از اصطلاح وضع طبیعی سخن می‌گفتند. در قرن بیستم، برای تاکید بر شباهت به علوم پایه و پرهیز از اصطلاحات ایدئولوژیک، از وضع تعادلی استفاده شد.

مفهوم تعادل در علم اجتماعی، چالش‌های خاص خود را دارد. در حالی که بسیاری از افراد و مدیران به دنبال تعادل در بازارها و قیمت‌ها هستند، دستیابی به این تعادل، امری پیچیده و زمان‌بر است. مشخص نیست که این تعادل در چه قیمتی (پنج هزار تومان، صد هزار تومان یا پانصد هزار تومان) به دست خواهد آمد. در علوم اجتماعی، یکی از پرسش‌های کلیدی، یافتن وضع عادلانه یا همان جامعه به سامان است. این جامعه



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

باید بر پایه‌ی منطقی استوار باشد تا بتواند به طور کارآمد و عادلانه عمل کند. در اندیشه دینی، مفهومی به نام تطابق تکوین و تشریح وجود دارد. بر اساس این مفهوم، قوانین و احکام باید با تکوین یا همان فطرت انسان و جامعه سازگار باشند. در غیر این صورت، این قوانین کارایی خود را از دست خواهند داد؛ به عنوان مثال، در دین اسلام، تشریح یا همان قانون‌گذاری باید متناسب با تکوین یا همان فطرت انسان باشد. اگر این تناسب برقرار نشود، نظام و سیستم جامعه به درستی عمل نخواهد کرد.

همانند اندیشه دینی، در علوم اجتماعی نیز تکوین و تشریح نقشی کلیدی در تبیین جامعه به سامان ایفا می‌کنند. علوم اجتماعی غربی و شرقی نیز در تلاشند تا با ارائه تلقی‌های مختلف از وضع بایسته یا همان تکوین و طبیعت، قوانین و قواعدی را وضع کنند که با تشریح یا همان عملکرد جامعه در دنیای واقعی سازگار باشد.

فرض کنید نظریه‌پردازی در حوزه علوم طبیعی، بدون توجه به قوانین طبیعت، به ارائه راهکار برای تغییر ماده بپردازد. در چنین شرایطی، نه تنها این نظریه قابلیت اجرا نخواهد داشت، بلکه تلاش برای عملی کردن آن می‌تواند نتایج فاجعه‌باری به دنبال داشته باشد. در نظر بگیرید که قصد پالایش نفت را دارید. بدون شناخت قوانین حاکم بر نفت و نحوه واکنش آن به عوامل مختلف، هر تلاشی برای پالایش، بدون نتیجه خواهد ماند.

حیات اجتماعی نیز مانند علوم طبیعی، دارای قانونمندی‌های خاص خود است. این قانونمندی‌ها، روابط بین انسان‌ها، ساختارهای اجتماعی و نحوه عملکرد جوامع را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

سعادت، سامان و التزام: مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی

معادل‌های واژه سعادت در زبان انگلیسی شامل «Happiness, Well-being, Felicity» می‌شود. در علوم اجتماعی، شاهد تنوع در استفاده از اصطلاحات برای بیان مفهوم سعادت هستیم. این اصطلاحات می‌توانند شامل سامان، کمال جامعه، وضع به سامان و زندگی نیکو باشند. نظریه‌پردازان علوم اجتماعی از چارچوب‌های تحلیلی مختلفی برای تبیین مفهوم سعادت و عوامل موثر بر آن استفاده می‌کنند. در این چارچوب‌ها، عواملی مانند حکمرانی، مقررات‌گذاری، الگوهای رشد و توسعه به عنوان عوامل موثر بر سعادت جامعه مورد بررسی قرار می‌گیرند. نهادهای رسمی و غیررسمی نیز در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند.



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

در فضای آخوندی، دو نوع تعهد به نام الزام و التزام مطرح می‌شود. الزام به تعهدی اطلاق می‌شود که از طریق قوه بیرونی و اعمال مجازات به افراد تحمیل می‌شود. در مقابل، التزام به تعهدی اشاره دارد که از طریق تربیت درونی و باورهای افراد شکل می‌گیرد.

وجود اصطلاحات متعدد در حوزه نظریه‌های سیاسی ممکن است این تصور را القا کند که این نظریه‌ها تفاوت‌های ماهوی عمیقی با یکدیگر دارند. با این حال، هدف ما نشان دادن این است که این ایسهما، در بسیاری از موارد، اشتراکات بنیادی دارند و تفاوت‌های ظریف در نحوه پرش از این اشتراکات، منجر به شکل‌گیری نظریه‌های مجزا می‌شود. در نهایت، همه این نظریه‌ها به دنبال حکم افعال آدم‌ها هستند. به عبارت دیگر، هر نظریه سیاسی در تلاش است تا فعل انسان در سطوح مختلف، از فرد تا دولت، را تعیین و تکلیف کند؛ برای مثال، در تعیین و تکلیف فعل فردی که در پوزیشن (موقعیت) بانک مرکزی قرار می‌گیرد، می‌توان نقشی خاص برای او در نظر گرفت. به همین ترتیب، در مورد فعل فردی که در پوزیشن یک نماینده مجلس قرار می‌گیرد نیز می‌توان نقشی متفاوت برای او تعریف کرد.

همانطور که در بخش قبل اشاره شد، علوم اجتماعی برخلاف تصور رایج، صرفاً بر عقل و نقل یا علم و دین متکی نیست، بلکه از طیف وسیعی از منابع و روش‌ها برای درک پیچیدگی‌های جامعه و روابط انسانی بهره می‌برد. در فضای غربی، علم به مثابه بت و مرجعی مطلق تلقی می‌شود که هرگونه بحث و گفتگو در مورد آن نیازمند اتخاذ موضع از پیش تعیین شده است. اما در علوم اجتماعی، شاهد رویکردی پویا و منعطف هستیم که از فقاهت اجتماعی و نظریه مالکیت به عنوان ابزارهایی برای تحلیل و تفسیر پدیده‌های اجتماعی استفاده می‌کند.

همانطور که در اقتصاد متعارف شاهد وجود فرق و مذاهب مختلفی مانند کلاسیک و نئوکلاسیک هستیم، در علوم اجتماعی نیز تنوع مکتب‌ها و رویکردهای مختلف به چشم می‌خورد. در هر یک از این مکتب‌ها و مذاهب، به موضوعاتی مانند سیاست پولی، نظام بانکی و ... از زوایای مختلف پرداخته می‌شود.

در علوم اجتماعی، هر مکتب فکری در یکی از عرصه‌ها به نظریه‌پردازی و تفقه می‌پردازد. برای مثال، در اقتصاد، رابطه‌ای بین متغیرهای مختلف مانند تورم، قیمت‌ها، ثبات و رفتار انسان‌ها وجود دارد. وقتی از تورم و تغییر قیمت صحبت می‌کنیم، در واقع به دنبال ثبات در اقتصاد هستیم. ثبات به معنای تعیین و تکلیف روابط انسان‌ها در



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

عرصه‌های خدمات پولی، تولید، توزیع و مصرف است. در واقع، هر مکتب اقتصادی یک تلقی مدینه فاضله‌ای از این روابط ارائه می‌دهد. این تلقی، مشخص می‌کند که در نظام اقتصادی مطلوب، افراد چه حقوق و تکالیفی در قبال پول، تولید، توزیع و مصرف دارند.

این روابط انسان‌ها، ساختارها، سیر زمانی و تغییرات رفتاری آنهاست که منجر به تغییر قیمت‌ها می‌شود. فرض کنید سیستم بانکداری یک کشور خصوصی باشد. در این سیستم، خدمات پولی توسط عده‌ای خاص ارائه می‌شود و این افراد حق خلق پول دارند. در مقابل، اگر سیستم بانکداری دولتی باشد یا اصلاً بانکی وجود نداشته باشد، رفتار انسان‌ها در قبال پول، تولید، توزیع و مصرف به طور قابل توجهی متفاوت خواهد بود.

در نظریه پولی، به بررسی روابط انسان‌ها در عرصه پول و تعیین قواعد برای رفتار آنها می‌پردازیم. در اقتصاد انرژی، به بررسی تعادل، ناترازی و بحران در این حوزه می‌پردازیم. در این چارچوب، به دنبال تبیین این موضوع هستیم که برای حل بحران و چالش‌های موجود، چه قواعدی باید برای رفتار مقامات ذی‌صلاح تعیین کرد. فرض کنید قصد داریم برای گرم کردن خانه‌ها در زمستان و خنک کردن آنها در تابستان، گاز را به تمام نقاط کشور، حتی مناطق جنگلی، لوله‌کشی کنیم. در این مثال، تحلیلی که از بحران یا چالش کمبود انرژی ارائه می‌شود، بر اساس رفتارها و کنش‌های انسان‌ها در قبال مصرف انرژی است. در این چارچوب، سیاست‌گذاران، مقامات پولی و مقامات ذی‌صلاح باید قواعدی برای رفتار خود در قبال این بحران تعیین کنند.

اگر بخواهیم از کار اصلی علوم اجتماعی تعریفی ارائه دهیم، می‌توان گفت که این علم به دنبال تبیین مکانیزم بهره‌مندی جامعه از خیرات است. جامعه در این تعریف، به تمام انسان‌هایی که در یک قلمرو جغرافیایی خاص زندگی می‌کنند و با یکدیگر تعامل دارند، اطلاق می‌شود. خیرات نیز شامل تمام چیزهایی است که برای رفاه و آسایش جامعه ضروری هستند.

مکانیزم بهره‌مندی جامعه از خیرات، در قالب فرهنگ، قوانین و سازمان‌ها تبلور می‌یابد؛ برای مثال، وجود یا عدم وجود قانون پولی و بانکی در یک کشور، نمایانگر تلقی آن کشور از حقوق و تکالیف افراد در قبال پول و نحوه استفاده از آن است. این قانون، مشخص می‌کند که چه کسانی چه حقوقی در قبال پول دارند و چگونه می‌توان از این حقوق برای رفاه جامعه استفاده کرد.



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

حکمرانی: حاکمیت قواعد خاص در عرصه‌های حیات اجتماعی

در این بخش به مفهوم حکمرانی و نقش آن در تبلور نظریه‌ها، جدال‌ها و تفاوت‌های موجود در جامعه می‌پردازیم. حکمرانی به معنای حاکم شدن قواعد و نظم خاص در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی است. این قواعد و نظم می‌توانند در قالب‌های مختلفی مانند دین، قانون، عرف و سنت تجلی یابند.

انتخاب نظام مالیاتی، یکی از نمونه‌های بارز حکمرانی در حوزه اقتصاد است. در این زمینه، دو رویکرد کلی وجود دارد:

رویکرد تک‌قاعده‌ای: در این رویکرد، تنها یک نوع مالیات، مانند خمس یا مالیات بر مصرف (ارزش افزوده)، در جامعه حاکم می‌شود.

رویکرد چندقاعده‌ای: در این رویکرد، از ترکیبی از انواع مختلف مالیات، مانند مالیات بر مصرف، مالیات بر درآمد، مالیات بر ارث و مالیات بر دارایی، برای تامین منابع مالی دولت استفاده می‌شود.

انتخاب رویکرد مناسب برای نظام مالیاتی، به عوامل مختلفی مانند ساختار اقتصادی، فرهنگ جامعه، و اهداف دولت بستگی دارد. حکمرانی عادلانه و منطقی، مستلزم انتخاب قواعد و نظمی است که منافع همه گروه‌های جامعه را در نظر گرفته و به دنبال توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها باشد. مالیات‌ستانی عادلانه، نقشی کلیدی در تامین مالی خدمات عمومی و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ایفا می‌کند.

در علوم اجتماعی، به بررسی چگونگی عینیت‌بخشی به قدرت از طریق قاعده‌گذاری می‌پردازیم. سازمان‌ها و نهادهای مختلف، از جمله سازمان مالیاتی، با وضع قوانین و مقررات، به تعیین حقوق و تکلیف‌ها در جامعه می‌پردازند. این حقوق و تکلیف‌ها، روابط افراد با یکدیگر و با دولت را مشخص می‌کنند.

گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی، از طریق پرداخت مالیات، عوارض و سایر هزینه‌ها، به تامین منابع مالی دولت برای ارائه این خدمات کمک می‌کنند. بنابراین، علوم اجتماعی به ما نشان می‌دهد که چگونه قدرت از طریق قاعده‌گذاری عینیت یافته و در جامعه اعمال می‌شود. در یک جامعه، بدون وجود ولایت فقهی یا مرجعی برای تعیین قواعد و نظم حاکم، امکان زندگی اجتماعی به معنای واقعی وجود نخواهد داشت.

یکی از وظایف اصلی علوم اجتماعی، رفع تعارض‌ها در جامعه است. در جامعه‌ای که افراد مختلف با منافع و



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

خواسته‌های متضاد زندگی می‌کنند، همواره تعارضاتی وجود دارد؛ به عنوان مثال پزشک می‌خواهد کار خود را مهم‌تر بداند؛ قاضی می‌خواهد نقش خود را در برقراری نظم و عدالت حیاتی بداند؛ سازمان استخدام می‌خواهد نظام استخدامی را بر اساس شایستگی و نیاز جامعه تنظیم کند؛ افراد مختلف در قبال حقوق و مزایای خود مطالباتی دارند. در جامعه، هر فرد ممکن است خود را از دیگران مهم‌تر بداند. این تفکر که یک ساعت کار کنیم و یک عمر زندگی کنیم یا یک روز در هفته یک معامله‌ای کنم، مثلاً یک خرید و فروشی، اگر من بنگاه‌دار نباشم اصلاً شما نمی‌توانید خرید و فروش کنید! نشان‌دهنده‌ی میل به برتری‌جویی و عدم تعادل در روابط اجتماعی است. برای حل این تعارضات و ایجاد نظم در جامعه، به قاعده‌ای حاکم بر کنش‌ها و رفتار افراد نیاز است. این قواعد می‌توانند شرقی یا غربی، اسلامی یا غیراسلامی باشند. ولایت فقیه نیز چیزی عجیب و غریب نیست. ولایت فقیه تجلی فقه در جامعه است. در هر جامعه‌ای، چه لیبرال، چه سرمایه‌داری و چه مارکسیستی، فقه یا مجموعه‌ای از قواعد و نظم حاکم بر روابط اجتماعی وجود دارد.

در جامعه لیبرال، فقه لیبرالی یا فقه سرمایه‌داری حاکم است که بر مبنای نظرات آدام اسمیت و سایر متفکران لیبرال بنا شده است و در جامعه مارکسیستی، فقه مارکسیستی حاکم است که بر مبنای نظرات مارکس و انگلس بنا شده است. جامعه فضایی برای رفع تعارضات است و این تعارضات باید از طریق قاعده‌گذاری و حاکمیت قانون حل و فصل شوند.

علوم اجتماعی، فقهات و نظریه‌پردازی اجتماعی به دنبال تبیین جامعه به سامان و قواعد حاکم بر آن هستند. برای حاکمیت یک فقه یا تدبیر مدن خاص در جامعه، به یک نظام سیاسی کارآمد نیاز است. این نظام سیاسی وظیفه دارد که از حاکمیت فقه مورد نظر و عدم نفوذ فقه‌های دیگر اطمینان حاصل کند.

فرض کنید نظام سیاسی یک کشور لیبرالی باشد، اما نظریه‌پردازان معتقد باشند که ایده‌های مارکس بهتر هستند. در این صورت، تناقضی بین نظام سیاسی و فقه حاکم وجود خواهد داشت و جامعه به سامان نخواهد رسید. نظام سیاسی باید با فقه اجتماعی و تدبیر مدن مورد نظر هماهنگ باشد تا جامعه به درستی شکل بگیرد و سامان یابد. همانطور که در مراحل پنجم حضرت آقا (رهبر معظم انقلاب) آمده است، ابتدا باید نظام سیاسی مناسب شکل بگیرد. سپس، دولتی بر اساس آن نظام سیاسی تشکیل می‌شود. این دولت که مقلد دستگاه فقهاتی مورد نظر است،



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

با وضع قوانین و مقررات، جامعه را سامان می‌دهد.

در مورد نحوه ارائه خدمات، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد: «دیدگاه اول، سلامت را مانند سبب‌زمینی و پياز می‌داند که افراد باید برای دریافت آن پول بپردازند و در غیر این صورت، از آن محروم می‌شوند»؛ «دیدگاه دوم، سلامت را حق همه مردم می‌داند و دولت را موظف به ارائه آن به طور رایگان یا با هزینه کم می‌داند».

تفاوت تمدن‌ها، جوامع و دولت‌ها: دستگاه فقهتی و علوم اجتماعی

تفاوت اصلی تمدن‌ها، جوامع و دولت‌ها در دستگاه فقهتی و علوم اجتماعی آنهاست. علوم اجتماعی به بررسی مکانیزم‌های بهره‌مندی جامعه از خیرات و مواهب و رفع تعارض‌ها در جامعه می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین مفاهیم در علوم اجتماعی، مالکیت به معنای عام آن است. مالکیت شامل مالکیت اشیاء، منابع، اطلاعات و حتی ایده‌ها می‌شود.

برای درک بهتر مفهوم مالکیت در علوم اجتماعی، به مثال انفال (نفت) می‌پردازیم. در مورد انفال، کنش یا فعل آدم شامل این موارد می‌شود: «موقعیت‌ها، بازیگران، کنش‌ها، کنترل و نظارت، اطلاعات، هزینه‌ها و منافع و پیامدها».

در حیات اجتماعی، نفت به عنوان یک منبع حیاتی نقش مهمی ایفا می‌کند. در صد سال اخیر، وابستگی ما به نفت به طور قابل توجهی افزایش یافته است. هنگامی که در مورد مالکیت نفت صحبت می‌کنیم، منظور ما صرفاً تصاحب فیزیکی این ماده نیست، بلکه به مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف مربوط به آن اشاره می‌کنیم. علوم اجتماعی به جای تمرکز بر تصاحب نفت، بر تعیین و تکلیف حقوق مربوط به آن در چارچوب یک جامعه تمرکز دارد. در مورد نفت، سوالات متعددی در زمینه مالکیت و نحوه بهره‌برداری از آن مطرح می‌شود: «چه کسی حق اکتشاف مخازن نفتی را دارد؟ چه کسی باید بهره‌برداری و توسعه میدان نفتی را انجام دهد؟ در چه شرایطی می‌توان حفاری چاه نفت انجام داد؟ چه مقدار نفت می‌توان استخراج کرد؟ چه اختیاراتی در قبال طبیعت در حین استخراج نفت وجود دارد؟ کنترل و نظارت بر فعالیت‌های نفتی چگونه باید انجام شود؟ جریان اطلاعات مربوط به نفت به چه صورت باید باشد؟ مالکیت نفت استخراج شده به چه کسی تعلق دارد؟ هزینه‌ها و منافع حاصل از نفت چگونه باید



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

توزیع شود؟

مثلاً در غرب آمریکا، صاحب زمین مالک معدن و مخزن زیر آن نیز محسوب می‌شود. به تعداد مالکان زمین، حفاری چاه نفت انجام می‌شود.

در یک جامعه، افراد مختلف با دارایی‌ها و توانایی‌های متفاوت در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. معادله اولر در اقتصاد، بیانگر توزیع ماحصل تولید بین عوامل تولید است. این معادله بر عدالت در توزیع ثروت تأکید دارد. ادعای برقراری عدالت در توزیع ثروت، بدون ارائه معیارهای دقیق و قابل اندازه‌گیری، کافی نیست. برای تعیین سهم هر فرد در توزیع عادلانه، باید معیارهای مشخصی مانند میزان کار انجام شده، مهارت و تخصص، سرمایه گذاری انجام شده و مسئولیت پذیری را در نظر گرفت. تعیین سهم افراد با تکیه بر تعادل ساده و بدون بررسی دقیق معیارها، ظلم به برخی افراد و نادیده گرفتن نقش آنها در تولید خواهد بود. در توزیع عادلانه، علاوه بر هزینه‌ها و منافع هر فرد، باید پیامدها و رخدادهای ناشی از توزیع را نیز به طور دقیق ارزیابی کرد.

بسته حقوقی نفت مجموعه‌ای از قواعد و مقررات است که نحوه بهره‌مندی جامعه از این ثروت ملی را تعیین می‌کند. هدف نهایی از تدوین این بسته حقوقی، تهیه و تصویب قانونی جامع برای نفت است که به طور شفاف و عادلانه، نحوه تولید، توزیع و مصرف این منبع ارزشمند را مشخص کند. حجم و ارزش تولید نفت در ایران قابل توجه است. در حال حاضر، روزانه حدود ده میلیون بشکه نفت و گاز و معادن از منابع طبیعی کشور استخراج می‌شود. با احتساب قیمت هر بشکه نفت ۵۰ دلار، ارزش سالانه این تولیدات به دو بیست میلیارد دلار می‌رسد. با تقسیم عادلانه این ثروت ملی بین تمام ایرانیان، سهم هر نفر از این دو بیست میلیارد دلار در سال، تقریباً معادل ۴۰ بشکه نفت به صورت سرانه خواهد بود. آداب بهره‌مندی از نفت به معنای توزیع عادلانه این ثروت ملی بین تمام آحاد جامعه و نه فقط کارکنان شرکت ملی نفت است.

وظیفه اصلی شرکت ملی نفت، استخراج و فرآوری نفت و گاز است. این شرکت موظف است پس از استخراج و فرآوری، سهم هر ایرانی از این ثروت ملی را به طور شفاف و عادلانه به آنها تخصیص دهد. تعیین نحوه توزیع عادلانه سهم هر ایرانی از ثروت نفت، چالش بعدی است که باید در تدوین بسته حقوقی نفت به آن پرداخته شود. قواعد و مقررات حاکم بر کنش نفت می‌توانند به گونه‌ای تنظیم شوند که توزیع عادلانه‌تر ثروت نفت در جامعه



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

صورت گیرد. این قواعد می‌توانند از تمرکز ثروت در دست اقلیتی از افراد یا مناطق خاص جلوگیری کرده و سهم تمام آحاد جامعه را از این ثروت ملی تضمین کنند.

جامعه، گویی خمیری انعطاف‌پذیر است که با اتکا به نظریات، دستگاه‌های فقه‌ای و یا آموزه‌های دینی شکل می‌گیرد. سبک زندگی، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه، موضوعی است که علوم اجتماعی و دین هر دو در مورد آن بحث می‌کنند؛ در حالی که علوم اجتماعی، دین، و پیامبران را زمینی و ساخته دست بشر می‌داند، دین خود را آسمانی و الهی می‌داند و معتقد است که پیامبران حامل وحی الهی هستند.

با وجود اختلافات در دیدگاه‌ها، هر دو طرف، چه علوم اجتماعی و چه دین، به دنبال ارائه یک سبک زندگی مطلوب برای انسان هستند. دین با ارائه پیامی از تکوین، تعادل، عدالت و حقیقت، به انسان‌ها نشان می‌دهد که چگونه زندگی کنند و جامعه خود را ساماندهی کنند. مالکیت، هویت انسان را در جامعه مشخص می‌کند و به او جایگاه و نقشی در ساختار اجتماعی می‌دهد. مالکیت، تک‌تک اجزای مولفه‌های کنشی، از جمله حقوق، وظایف، اختیارات و محدودیت‌های افراد در جامعه را تعیین و تکلیف می‌کند. جامعه، محصول تعامل نظریات، دستگاه‌های فقه‌ای و آموزه‌های دینی است. سبک زندگی، مالکیت و هویت انسان، همگی تحت تاثیر این عوامل شکل می‌گیرند.

مالکیت: نهاد عدالت، آزادی و امنیت

در صحبت از مالکیت، صرفاً به معنای مالکیت در زبان فارسی اشاره نمی‌کنم، بلکه منظور من نهاد مالکیت به عنوان مجموعه‌ای از حقوق است که تجلی جوریس بورودنس یا فقه تعامل اجتماعی به شمار می‌رود. این حقوق، به نوعی تجسم عدالت، مفسر آزادی و استقرار امنیت و تعادل در جامعه هستند. دقت کنید که عدالت، آزادی، امنیت و ... کلیدواژه‌هایی هستند که به طور مداوم در علوم اجتماعی، به ویژه در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، مورد بحث قرار می‌گیرند.

اما سوال اساسی اینجاست که آیا قواعد و فقهی که شما به آن اشاره می‌کنید، مطابقت با تکوین دارد یا حقیقت

زندگی اجتماعی است که اگر حاکم شود، جامعه به تعادل می‌رسد؟



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

آزادی: تفسیر با عدالت و قاعده‌مندی

آزادی به معنای مطلق که هر کس را بخواهیم بزنیم و بکشیم، وجود ندارد. عدالت نقش کلیدی در تفسیر و محدوده آزادی ایفا می‌کند. شما آزاد هستید که معدن را استخراج کنید یا نه. اما در صورت استخراج، قواعدی برای نحوه استفاده از آن وجود دارد. جامعه بدون قانون، به هرج و مرج تبدیل می‌شود. در هر جامعه‌ای، تعارض منافع وجود دارد و برای حل این تعارضات، قوانینی وضع می‌شوند. این قوانین تا حدی شما را محدود می‌کنند تا حقوق دیگران نیز تضییع نشود.

حتی در کشورهای غربی که به آزادی فردی شهرت دارند، قوانینی برای محدود کردن آزادی افراد به نفع جامعه وجود دارد. برای مثال، اگر می‌خواهید سگ داشته باشید، باید آن را در خانه خود نگهداری کنید و فقط در ساعات‌های محدود و تعیین شده می‌توانید آن را بیرون بیاورید. سگ شما باید در محل مخصوص خود مدفوع کند و در غیر این صورت، جریمه خواهید شد. این جریمه را می‌توانید نقدی یا قسطی پرداخت کنید و در صورت تخلف، به دادگاه احضار خواهید شد. همه این قوانین، آزادی شما را محدود کرده‌اند اما این محدودیت‌ها برای حفظ نظم و عدالت در جامعه و تضمین حقوق همه افراد ضروری هستند.

در زندگی اجتماعی به دلیل وجود تعارض منافع، چالش‌هایی به وجود می‌آیند. فرض کنید کسی در آپارتمان زندگی می‌کند و چهار سگ را به خانه خود می‌آورد. این موضوع می‌تواند باعث ناراحتی ساکنان دیگر شود، چرا که سر و صدای سگ‌ها می‌تواند آرامش آنها را برهم بزند. در این شرایط، فرد نمی‌تواند به بهانه آزادی خود، به حقوق و آسایش دیگران بی‌توجه باشد.

برای حل این نوع تعارضات، قواعد و حقوق شهروندی تعریف شده‌اند. این قواعد، چارچوبی برای زندگی آپارتمانی و زندگی در اجتماع ارائه می‌دهند و به حفظ آرامش و احترام به حقوق متقابل کمک می‌کنند.

فرض کنید می‌خواهید در بورس به خرید و فروش اوراق بهادار و تامین مالی بپردازید. در این صورت، قواعد بورس مانند قواعد بورس شیکاگو که شامل ششصد صفحه است، برای نظم‌بخشی به این فعالیت و حفظ حقوق سرمایه‌گذاران ضروری هستند. بدون وجود این قواعد، بازی بورس عملاً قابل انجام نخواهد بود. مثال دیگر بازی فوتبال است. زمانی که در کودکی با توپ پلاستیکی در زمین خاکی فوتبال بازی می‌کردیم، این بازی صرفاً برای



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

سرگرمی بود. نه تماشاگری داشت و نه به عنوان یک صنعت شناخته می‌شد. اما حال فرض کنید که جام جهانی فوتبال در حال برگزاری است. این رویداد عظیم، هفده میلیون نفر را از سراسر جهان به قطر می‌کشاند و میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در آن انجام می‌شود. میلیون‌ها نفر درگیر این رویداد هستند، چه به عنوان تماشاچی در استادیوم‌ها و چه به صورت آنلاین از طریق تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای. از ساخت و ساز استادیوم‌ها تا پخش رادیو و تلویزیون و شبکه‌های ماهواره‌ای و همچنین بازیکنان و داوران، میلیون‌ها نفر در این صنعت عظیم مشغول به کار هستند. جام جهانی فوتبال، نمونه‌ای از صنعتی است که بر پایه قواعد بنا شده و نیازها و سرگرمی انسان‌ها را پاسخ می‌دهد.

انسان به عنوان موجودی اجتماعی، دارای نیازهای متعددی از جمله نیاز به سرگرمی است. اما آیا این نیاز می‌تواند بدون هیچ قاعده‌ای و تشکیلاتی برآورده شود؟ مسلماً پاسخ منفی است. برای نظم‌بخشی به صنعت سرگرمی و توزیع عادلانه منافع در این صنعت، به مجموعه‌ای از قواعد نیازمندیم. در هر صنعت سرگرمی، مانند صنعت فوتبال، شاهد وجود فدراسیون‌ها، مانند فیفا، و باشگاه‌ها هستیم که با وضع قواعد به تعریف بازی، قراردادهای و منافع کنشگران می‌پردازند.

این قواعد، مشخص می‌کنند که چه کسی بازیکن است، چه کسی در فیفا یا فدراسیون و باشگاه حضور دارد و منافع حاصل از این بازی چند صد میلیارد دلاری چگونه توزیع می‌شود. اقتصاد ورزش، سیاست‌گذاری ورزش و سرگرمی ورزش همگی در چارچوب قواعد معنا پیدا می‌کنند. این قواعد، حق‌التکلیف‌ها را مشخص می‌کنند و از هرج و مرج و بی‌نظمی در این صنعت جلوگیری می‌کنند.

تعداد بازیکنان خارجی، میزان پرداختی‌ها، شرایط قراردادهای و نحوه حل و فصل اختلافات همگی تابع قوانین و مقررات مشخصی هستند. مجموعه این قواعد، به مثابه مثنوی هفتاد منی است که تخصص خاص خود را دارد و تا مقطع دکتری در رشته‌های مرتبط تدریس می‌شود.

در صحبت از علوم اجتماعی، صرفاً به معنای رشته‌های دانشگاهی اشاره نمی‌کنیم، بلکه منظور ما نهاد علوم اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از دانش‌ها و روش‌ها برای مطالعه جامعه و کنش‌های اجتماعی است. علوم اجتماعی نقشی اساسی در تکوین قواعد و ساختارهای حقوقی ایفا می‌کند. این قواعد و ساختارها، تجلی دستگاه تحلیلی و



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

فقهات علوم اجتماعی در دنیای واقعی هستند. قانون‌گذاری که در طول صد سال گذشته انجام شده است، نمونه‌ای بارز از این نقش‌آفرینی علوم اجتماعی است.

جامعه به عنوان فضایی برای تعارض منافع، دارای پویایی ذاتی است. این پویایی به معنای ایستا و ثابت بودن مفاهیم و قواعد در طول زمان نیست. دستگاه فقهاتی و علوم اجتماعی برای درک این پویایی و ارائه راهکارهای مناسب در هر دوره تاریخی و جغرافیایی، به زمان و مکان توجه ویژه‌ای دارند؛ برای مثال، مفهوم انفال در دوره قاجار با اقتضانات خاص آن دوره پیوند خورده بود. این اقتضانات در زمان حال و ده سال پیش نیز به گونه‌ای دیگر خود را نشان داده‌اند.

نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی، در خلاء انجام نمی‌شود، بلکه بر پایه بررسی دقیق واقعیت‌های اجتماعی در هر دوره تاریخی و جغرافیایی است. در هر دوره، جامعه به عالمان اجتماعی، فقیهان، مراجع تقلید، سیاست‌سازان و تصمیم‌گیران به عنوان راهنمایان خود نیاز دارد. پیچیدگی روزافزون مسائل اجتماعی ایجاب می‌کند که عالمان اجتماعی با فقهات و تخصص خود، در هر دوره تاریخی و جغرافیایی، راهکارهای مناسب برای حل این مسائل ارائه دهند. دانشگاه‌ها، عالمان اجتماعی، مراجع تقلید، سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران در این فرایند نقش‌آفرینی می‌کنند و جامعه نیز به عنوان مقلد این راهنمایان، در مسیر توسعه و پیشرفت گام برمی‌دارد.

هنگامی که قانون مالیاتی وضع می‌شود، بحث‌های فلسفی در مورد مبنای آن، مانند مالیات بر خالص مجموعه، خمس یا مالیات بر مصرف، به کنار گذاشته می‌شود. مردم در چنین شرایطی، به جای طرح استدلال‌های فلسفی، صرفاً به اطاعت از قانون می‌پردازند. در مورد مالیات بر مصرف، برخی افراد ممکن است آن را حرام یا ارزش افزوده حرام تلقی کنند. با این حال، مردم در نهایت مطیع قانون می‌شوند و مالیات خود را پرداخت می‌کنند. اجبار به اطاعت از قانون، عامل اصلی در این زمینه است. مردم حتی اگر با مالیات موافق نباشند، به دلیل ترس از مجازات یا عدم وجود راه حل جایگزین، آن را پرداخت می‌کنند.

دین اجتماعی در واقع گرایش و همراهی مردم با نظام‌ها و قواعد حاکم بر جامعه است. این همراهی، زور و اجبار نیست، بلکه اعتمادی است که مردم به نظام و کارگزاران آن دارند. در سایه این اعتماد و همراهی، مردم در تفسیر عدالت، تعیین آزادی‌ها و حقوق و تکالیف خود و دیگران، نقشی اساسی ایفا می‌کنند. این همراهی تا زمانی



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

ادامه می‌یابد که اعتماد مردم به نظام و کارگزاران آن پایرجا باشد. اگر این اعتماد از بین برود، جامعه ممکن است طغیان کند و انقلاب رخ دهد. همواره رویکردهای رقیب در تلاش برای جلب نظر مردم و شکل‌دهی به جامعه هستند؛ برای مثال، پس از وقوع انقلاب و تسلط یک رویکرد خاص، رویکردهای رقیب به تلاش برای بازگشت و تغییر نظم موجود ادامه می‌دهند.

در جامعه‌ای که دین اجتماعی وجود دارد، هر رویکرد تلاش می‌کند تا فقه و ولی فقیه مورد نظر خود را حاکم کند. اما این تلاش‌ها همواره با پذیرش جامعه همراه نیست. اگر جامعه عملکرد رویکرد حاکم را ناکافی یا غیرقابل قبول بدانند، ممکن است انقلاب رخ دهد و رویکرد رقیب به قدرت برسد.

همانطور که انقلاب ما رویکرد حاکم را تغییر داد، رویکردهای رقیب نیز می‌توانند با انقلاب نظام سیاسی مورد نظر خود را برپا کنند. هر رویکرد در صورت تسلط بر جامعه می‌تواند علوم اجتماعی ایده‌آل خود را اجرا کند. این علوم اجتماعی شامل فقه، نظام سیاسی و ساختارهای اجتماعی مورد نظر آن رویکرد است. بنابراین، انقلاب می‌تواند به حاکمیت رویکردهای لیبرالی، کمونیستی یا بودایی در جامعه منجر شود و هر کدام فقه و نظام سیاسی خود را برپا کنند.

جامعه در طول تاریخ، دگرگونی‌های متعددی را تجربه کرده است؛ مثلاً اجداد ما در گذشته گبر و آتش‌پرست بودند، اما با گذشت زمان، دین و آیین ما تغییر کرد و هیچ ضمانتی برای ثابت ماندن دین در آینده وجود ندارد؛ همانطور که دین اجداد ما تغییر کرد، ممکن است دین ما نیز در آینده تغییر کند.

جامعه نقشی اساسی در تغییر دین ایفا می‌کند. گرایش مردم به یک دین خاص می‌تواند تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی مانند فرهنگ، سیاست و اقتصاد قرار گیرد. جامعه غربی که سابقه‌ای طولانی در ترویج همجنس‌گرایی دارد، می‌تواند الگویی برای جامعه ما باشد. ایرانیان خارج‌نشین نیز که معمولاً به آرمان‌ها و فرهنگ غربی مانند سرمایه‌داری، نظام سیاسی غربی و فرهنگ برهنگی تمایل دارند، می‌توانند عامل دگرگونی در جامعه ما باشند. اگر ما مراقب نباشیم، گرایش‌های غربی ممکن است بر جامعه ما تسلط پیدا کنند و دین و فرهنگ ما را تغییر دهند.

دین و جامعه در رابطه‌ای دوسویه با یکدیگر قرار دارند. تغییر دین می‌تواند تحت تاثیر جامعه باشد و جامعه نیز



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

می تواند تحت تاثیر دین دگرگون شود.

ساخت جامعه فرایندی پویا و تدریجی است که در آن دو رویکرد رقیب به طور مداوم در تلاش برای حاکمیت ایده‌ها و ساختارهای مورد نظر خود هستند. تغییر نظام‌های پولی، مالیاتی و صنعتی به یکباره و با فشردن یک دکمه امکان‌پذیر نیست. اولین گام در ساخت جامعه، تعیین مدل مطلوب مورد نظر هر رویکرد است. گام دوم، ترجمه ایده‌ها و ساختارهای ایده‌آل به قواعد و ساختارهای قابل اجرا در جامعه است.

مبنای تعیین حقوق و حقایق در جامعه: ضرورت دستگاه تحلیلی

در بحث‌های مربوط به جامعه‌سازی و تعیین ساختارهای اجتماعی، تعیین مبنای حقوق و حقایق از جمله چالش‌های اساسی است. سوالات کلیدی در مورد حقوق و حقایق بدین شرح است: «مبنای تعیین این حق‌ها چیست؟ چرا نوع مالیاتی که من می‌گویم حق است؟ چرا نظام پولی که من می‌گویم حق است؟ چرا نظر من درست و عادلانه است و نظر او درست نیست؟ چرا من می‌گویم که بانک خصوصی باشد یا نباشد؟ چرا اصلاً بانک باشد یا نباشد؟» هیچ پاسخ مطلق و قاطعی برای این سوالات وجود ندارد. هر رویکرد با دستگاه تحلیلی خود، پاسخ‌های متفاوتی برای این سوالات ارائه می‌دهد؛ برای مثال در رویکرد طرفدار نظام پولی آزاد، هرکسی می‌تواند پول خلق کند؛ اما در رویکرد طرفدار نظام پولی متمرکز، پول باید توسط دولت یا یک نهاد مرکزی خلق شود.

هر رویکرد برای توجیه حقوق و حقایق مورد نظر خود، به دستگاه تحلیلی قوی و مبتنی بر منطق و استدلال نیاز دارد. در فقه به معارف درجه یک در حوزه‌های کلیدی جامعه مانند پول، نفت، گاز، صنعت و کشاورزی پرداخته می‌شود. فقاهت در تعیین و تکلیف امور و مدیریت جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند. فلسفه‌ی علوم اجتماعی در معنای وسیع آن، فراتر از علم و اخلاق را شامل می‌شود. علم، اخلاق و فلسفه سه رکن اصلی علوم اجتماعی هستند. اخلاق در واقع همان علم است، اما تفاوت تلقی از علم باعث شده است که نام آن تغییر کند و به عنوان رشته‌ای مجزا شناخته شود.

در فقه به معارف درجه یک در حوزه‌های کلیدی جامعه مانند پول، نفت، گاز، صنعت و کشاورزی پرداخته می‌شود. فقاهت در تعیین و تکلیف امور و مدیریت جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند. فلسفه‌ی علوم اجتماعی در



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

معنای وسیع آن، فراتر از علم و اخلاق را شامل می‌شود.

علم، اخلاق و فلسفه سه رکن اصلی علوم اجتماعی هستند. اخلاق در واقع همان علم است، اما تفاوت تلقی از علم باعث شده است که نام آن تغییر کند و به عنوان رشته‌ای مجزا شناخته شود. علم، اخلاق و فلسفه در محتوا با یکدیگر پیوند ناگسستنی دارند.

هنگامی که از ساز و کار خلق، توزیع، مصرف و بهره‌مندی از پول و خدمات پولی صحبت می‌کنیم، در واقع از مجموعه‌ای از حقوق سخن می‌گوییم. نظام پولی آزاد، نظام پولی متمرکز، ذخیره جزئی، صددرصد، مکتب پولی، مکتب بانک و ... هر کدام تعیین و تکلیف می‌کنند که چه زمانی، چطور، چقدر پول برای چه کاری با چه ذی‌نفعانی می‌تواند تولید و خلق و استفاده کند.

تفاوت مکاتب پولی در بسته‌های حقوقی متفاوتی که ارائه می‌دهند خلاصه می‌شود. این حقوق کنش آدم‌ها در نظام پولی را تعیین می‌کنند و دیدگاه هر یک بدین شرح است: «دکتر درخشان: طرفدار نظام پولی متمرکز است؛ دکتر توتون‌چان: معتقد به عدم وجود بانک در نظام پولی است و آقای دولت‌آبادی، آقای شیخ علی، آقای درودیان و ... دیدگاه‌های مختلف در مورد نظام پولی دارند».

بانک در نظام‌های پولی: تعاریف، مفروضات و پیش‌فرض‌ها

در نظام نظریه متعارف، بانک به مجموعه‌ای از حقوق مرتبط با مدیریت پول خلق شده در یک نظام پولی متمرکز ذخیره جزئی اطلاق می‌شود. نظریه‌های دیگر حق را به طور دیگری تعریف می‌کنند و در نتیجه تعریف بانک نیز تغییر می‌کند. در برخی نظریه‌ها اصلاً بانکی وجود ندارد و حق مدیریت پول به شکلی دیگر تعریف می‌شود.

هر کدام از فقها یا نظریه‌پردازان با توجه به مفروضات، جامعه، زمان، مکان و پیشینه تاریخی و جغرافیایی خود، تلقی متفاوتی از بانک ارائه می‌دهند. در فتوا برای تعیین حکم شرعی در مورد موضوعی خاص، پیش‌فرض‌های (فلسفه) آن بسته حقوقی و پاسخ به سؤالاتی مانند ماهیت پول، منشاء آن، کاربرد پول، نیاز به پول و حجم پول ضروری است.

دکتر بخشی، شاگرد دکتر دلالی، معتقد به ثبات حجم پول و مدیریت پول موجود در نظام پولی است. در دیدگاه



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

ایشان، اصلاً خلق پولی وجود ندارد و مدیریت پول به مدیریت پول‌های موجود در نظام اقتصادی محدود می‌شود و ایشان با توجه به کارکردها و تصویری که از پول دارد، فتوا و حق را به نوعی خاص تعریف می‌کند. مسائل و مشکلات اخلاقی در ارتباط با نوع پول از جمله مواردی است که به آن تاکید می‌شود؛ همچنین نوع پول، اصالت ندارد و تفاوتی بین پول کالا، رمز ارز و پول اعتباری قائل نیست.

خلق پول به معنای توانایی خرید کالاها و خدمات است و اگر پول از طریق کار به دست آمده باشد، مصرف نیز باید بر پایه کار باشد. راصل مصرف مبتنی بر کار به عنوان یک اصل، یک بحث اصولی و یک قاعده اساسی می‌تواند تعریف متفاوتی از حق ارائه دهد.

تلقی از رابطه پول به عنوان مالکیت بر کالاهای دیگر یا بر کار سایر افراد در تعریف حق و نظریه پولی تاثیرگذار است. پاسخ به مجموعه‌ای از سوالات کلیدی در مورد پول، کار و مصرف نظریه پولی و بسته حقوقی مرتبط با آن را تعیین می‌کند. در این مورد افراد مختلف با توجه به اهمیت و پاسخ به سوالات کلیدی، نظریه‌های پولی متفاوتی ارائه می‌دهند؛ برای نمونه در نظام پولی آزاد، مدافعان این نظام، خلق آزادانه پول را حق افراد می‌دانند ولی طرفداران نظام پول کالایی، پول را معادل کالاها و بر پایه کار تعریف می‌کنند.

فلسفه علوم اجتماعی و مبانی حقوقی: رابطه‌ای پویا

برخلاف تصور رایج، رابطه‌ای مستقیم و تناظری بین مبانی فلسفی علوم اجتماعی و بسته‌های حقوقی وجود ندارد. سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان نمونه‌ای از مبانی فلسفی نشان می‌دهد که تعیین ساختار جامعه بر اساس مبانی فلسفی به صورت گام به گام و بدون تناظر مستقیم با قوانین و مقررات انجام می‌شود. نوع نگاه به زندگی، حیات دنیا، جامعه، انسان و هدایت در علوم اجتماعی دینی تاثیرگذار است، اما رابطه‌ای مستقیم و تناظری با آنها ندارد.

اتخاذ موضع فلسفی در مورد مفاهیمی مانند خدا، انسان، جامعه و حیات علت تفاوت بین ادیان و مکاتب فکری است. از منظر الهی یا انسانی می‌توان مارکس را پیامبری دروغین دانست. در فلسفه علوم اجتماعی با در نظر گرفتن پیچیدگی‌های زمان و مکان به مباحثی مانند پول، انفال، صنعت، شهرسازی، تعلیم و تربیت و پرورش انسان



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

می‌پردازد. نگاه فلسفی به علوم اجتماعی در پرتو علم معنا می‌یابد.

نتیجه‌گیری

تمام تلاش من فراتر رفتن از دوگانه‌های علم و مکتب و خداحافظی با این دوگانگی‌ها است و علم به آن معنی دیگر نیست، علم نیست، اقتصاد نیست، فقه است. فقه مارکس، فقه اسمیت، فقه کنز، فقه فیریدمن و فقه امام صادق علیه السلام نمونه‌هایی از مکاتب فقهی در علوم اجتماعی هستند که ما هم می‌خواهیم تلاش کنیم تا فقه امام صادق علیه السلام را داشته باشیم. یک دین است. یک سبک زندگی است. علم اقتصاد دیگر نداریم.

در این جلسه تلاش کردم تا این مطلب را برسانم. اقتصاد که می‌گویم، این مشترک لفظی ما را بیچاره کرده است. اکانومی نباید اقتصاد ترجمه می‌شد باید یک فعالیت ترجمه می‌شد. معلمی، قضاوت، صنعت‌گری و کشاورزی و ... این‌ها همه یک فعالیت اجتماعی می‌شود، پس بیایید کلاً با کلمه‌ی اقتصاد خداحافظی کنیم و به آن بگویم فعالیت.

عالمان اجتماعی می‌خواهند فقه این تعاملات را درست کنند. این روابط را تعیین و تکلیف کنند. و تعیین و تکلیف کردن یک دانش است، ما یک فعالیت داریم. ۲۴ میلیون آدمی که کار می‌کنند دارند فعالیت انجام می‌دهند که در فارسی این را اقتصاد می‌گویم، هم دانش اقتصاد و هم اقتصاد می‌گویم.

غربی‌ها راحت هستند. یک اکانامی دارند یعنی تدبیر منزل و یک پلیتیکال اکانامی یا جوریس بوردنس یعنی فقه دارند. اما ما به همه‌اش می‌گویم اقتصاد. اقتصاد رایجی که الان وجود دارد به اسم پول درآوردن، آن فعالیت اجتماعی است. اسمیت و مارکس و کنز فقیه هستند یعنی رساله عملیه دارند؛ اما ما فقط در کلاس‌های اسلامی به جای اینکه بگویم نظریه مالکیت مارشالی، می‌گویم اقتصاد خرد و به نظریه مالکیت کنزی، اقتصاد کلان می‌گویم، فقه استدلالی هستند و این تبلور خرد می‌شود قانون رقابت، قانون شفافیت و ...

همانطور که شما درس‌هایی که می‌خوانید را برای مردم شرح می‌دهید، رساله عملیه نهایی آن کاربرد برای مردم دارد، ما نیز یک فعالیت اجتماعی داریم که فقها و نظریه‌پردازان آن را تعیین و تکلیف می‌کنند که برای تعیین و تکلیف این با همدیگر بحث می‌کنند. به تعبیری با همدیگر بحث و گفت‌وگو دارند و هرکس هم نظر خودش را قبول دارد.



اقتصاد سیاسی توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران

مارکس به سوسیالیستا می‌گوید شما تخیل هستید، علم نیستید و من علم هستم. فصل اول کنز همه آموزه‌های کلاسیک‌ها را تکفیر می‌کند. تکفیر علم یعنی رد آن یعنی شما علم نیستید، من هستم. پس همه دارند در مورد این فقاهت صحبت می‌کنند.

ما با مدل ساختن در اقتصاد اصلا کار نداریم. حالا اسمش را بذار مکتب، علم، مدل تحلیلی، چارچوب، مدل توسعه، الگوی پیشرفت یا هر چیز دیگر. بیان ریاضی آن مارکسیست، آن کمونیست و من مسلمان و ... که اشکال ندارد. مثلا شما یکبار آداب ارث را توضیحی بگویند، یکبار هم با فرمول ریاضی ارث را بنویسید. یکبار مدل کنزی را توضیح بدهید، یکبار هم به صورت ۹ تا معادله بنویسید. ریاضی یک زبان و ابزار است همین.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته



بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با توزیع عادلانه منابع طبیعی در ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ از جمله موضوعات مطرح شده، عبارتند از: «موانع توزیع عادلانه منابع طبیعی در ایران؛ تمرکز قدرت و ثروت در دست اقلیت؛ فساد و سوءاستفاده از منابع؛ ناکارآمدی نظام‌های حقوقی و حاکمیتی؛ عدم وجود شفافیت و پاسخگویی». همچنین در ادامه به راهکارهای توزیع عادلانه منابع طبیعی پرداخته شد، همانند «اصلاحات ساختاری و نهادی؛ تقویت حاکمیت قانون و مبارزه با فساد؛ افزایش شفافیت و پاسخگویی؛ توانمندسازی جوامع محلی و حفاظت از محیط زیست». در ادامه به نقش اقتصاد سیاسی در توزیع مواهب و منابع طبیعی در ایران پرداخته شد: «بررسی روابط قدرت و توزیع ثروت؛ تحلیل نقش دولت، بازار و جامعه مدنی؛ بررسی ایدئولوژی‌ها و رویکردهای مختلف به توزیع منابع».